

بررسی قداست محیط زیست در متون مقدس هندویی

۱ حجت‌الله جوانی

۲ طیبه صادقی

۳ زهرا اکبری

چکیده

انسان هندویی با تلفیق عناصر طبیعت و خویشکاری خدایان به سمتی پیش می‌رود که طبیعت و تک تک عناصر طبیعی وجهه‌ای از قداست را با خود همراه می‌کند. حضور آموزه‌های وحدت وجودی در بطن اندیشه هندویی خود دلیل دیگری بر تقویت این مفهوم تلقی می‌شود. نوشتار حاضر درآمدی است بر بازشناسی تقدس طبیعت در متون مقدس هندویی به روش پدیدارشناسانه و بازتعریفی است از قداست طبیعت با نظر به مفهوم «مادر زمین» و «وحدت وجود» که هر یک تقویت کننده ارتباط موجودات با امری متعالی است که از میان اصولی‌ترین آموزه‌های شریعت هندویی سه اصل «تناسخ»، «اهیمسا» و «بهکتی»، راهکارهایی را برای بیان اهمیت حفاظت از طبیعت ارائه داده است.

واژگان کلیدی: قداست، طبیعت، وحدت وجود، مادر زمین، اهیمسا، تناسخ، بهکتی.

Studying of Environment Sanctity in Hindu Scriptures

Hojjatollah Jvani¹

Tayyebeh Sadeghi²

Zahra Akbari³

Abstract

Hindu man incorporates elements of nature with gods' functions. It leads to the concept of sacredness of nature's elements. The present essay is an introduction to understand holiness of the world in Hindu holy books through a phenomenological approach. It includes a redefinition of the concept of nature with a glance at wide concept of Mother-Earth family. It is to be mentioned that the idea of pantheism reinforces relations of all created beings with Ultimate Reality. Reincarnation, Ahimsa and Bhkati are of great and important tenets of Hinduism. They may be used as basic ways to protect safety of man's nature.

Keywords: Sanctity, Nature, Mother-Earth, Ahimsa, Bhkati, Reincarnation.

۱. استادیار ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء (س)

۲. کارشناس ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء (س)

۳. کارشناس ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء (س)

4. Assistant Professor Of Al-Zahra University. Email: hojjatollahj@yahoo.com

5. MA in Religion and Mysticism, Al-Zahra University. Email:

sadeghi424@gmail.com

6. MA in Religion and Mysticism, Al-Zahra University. Email:

zahraakbari1989@gmail.com

مقدمه

انسان هندویی که خود را پاره‌ای از وجود قربانی مقدس می‌شمرد در اسارت عصر آهن به جست‌وجوی عصر طلایی خویش از میان اوراق کتاب مقدسش می‌گردد. همان عصری که هنوز طبیعت، عرصه تاخت و تاز افسار گسیخته انسان معاصر نگشته بود و عمل و باورهای برخاسته از متون مقدس به‌سان قرینی در زندگی آدمی جریان داشت. عصری که آدمی میان خود و طبیعت، خویشاوندی احساس می‌کرد و زمین را به‌سان مادری مهربان می‌پنداشت و چه نیایش‌ها و مدح‌ها که برای وی نسروده بود و از وی طلب شادکامی و صلح برای همگان ننموده بود. غریب نمی‌نماید اگر هندوها به همان سان که انسان را احترام می‌کنند به سگی یا موری احترام بگذارند؛ چراکه تمامی انواع موجودات بخشی از وجود آفریدگاران و مقدس. پس هیچ‌گاه طبیعت را مورد بهره‌کشی و ستم قرار نداد و همواره در حد نیازش از طبیعت بهره جست.

اینک در عصری که آدمی با دستیابی به تکنولوژی خود را ارباب طبیعت می‌پندارد و در بهره‌کشی از طبیعت نه تنها پرده‌ای از حرمت به‌جا نگذاشته که تن رنجور زمین را هر روز به نیستی نزدیک‌تر می‌کند، هندوی هم‌روزگار، دست به دامان متون کهن شده تا شاید نحوه تعامل خود را با طبیعت سامان دهد.

در بررسی متون مقدس هندویی، در می‌یابیم که از ابتدای وداها، حضور عناصر طبیعت به عنوان خدایان گوناگون جلب توجه می‌کند. خدایانی که مهمترین نقش را در این متون برعهده می‌گیرند و گویی هر عنصر طبیعی را که برای انسان مقهور طبیعت، ناشناخته می‌نموده است، به عنوان خدا پرستش می‌کرده است، و اینچنین تقدسی بی‌مثال برای طبیعت فراهم آورد. در اواخر وداها و اوپانیشادها با حرکت به سمت اندیشه‌های وحدت وجودی، خدا، انسان و سایر موجودات، جملگی یک واحد وجودی دانسته می‌شوند و با انتصابشان به ذات حق، تقدسی مضاعف می‌یابند.

در این مقاله نخست موضوع «خویشکاری الهه‌های هندویی» - که هر کدام بخشی از عناصر طبیعت‌اند - مورد بررسی قرار گرفته و سپس با بررسی تفصیلی سه دیدگاه و آموزه‌ی هندویی یعنی «اهیمسا، تناسخ و بهکتی»؛ دوتای آخر را به عنوان راهکاری برگرفته از متون مقدس هندویی برای برون رفت از بحران محیط زیست انسان و آشتی دوباره او با طبیعت می‌پردازیم.

وحدت وجود

از ابتدای اوپانیشادها، رنگ وحدت وجودی آیات به نحو چشم‌گیری وجود دارد. گویی همه خلقت همچنان‌که حضوری مستقل دارد، بخشی است از وجود خدا. اوپانیشادها که در واقع تفسیر وداها هستند، با شرح قربانی ازلی آغاز می‌شوند و در ادامه انسان را به این نکته توجه می‌دهند که همه خلقت جز همان وجود مقدس چیز دیگری نیست. در ریگ ودا آمده است: «او یک خداست، آسمان و زمین را آفریده و با رگ‌ها و بالهایش از هر دو آن‌ها برخوردار است»^۷ این بند نمایان‌گر اندیشه‌های وحدت وجودی در جهان هندویی است؛ چنانکه آنان الوهیت را به عنوان یکی در همه و همه در یکی در نظر می‌گیرند.

برخی محققان هندو، آغاز این اندیشه را در وداها جست و جو می‌کنند؛ آنجا که ریگ ودا می‌گوید: «الوهیت توانای خدایان یکی است» و نیز با استناد به بندهای دیگر از ریگ ودا از جمله آنجا که می‌گوید: «حکما آن را که یکی است، با انواع گوناگون توصیف کرده‌اند» نشان از عمق حضور مفهوم همه‌خدایی یا به تعبیر سانسکریت «تت توام اسی» در بنیان اندیشه هندویست.^۸

برخی محققان در تفصیل این موضوع چنین آورده‌اند: «در تصور هندویی راجع به جهان طبیعی، عقیده حقیقت مطلق یا ذات مطلق که آن را به وجود و شعور و نعمت تعبیر کرده‌اند، مقام اساسی دارد. نوشته‌های مقدس هندوها، خدا را با کائنات و عالم کثرات و اختلاف هماهنگ می‌کنند و بر این نظرند که برهمن خویشتن را در مظاهر گوناگون جهان مادی جلوه‌گر می‌سازد. از این گذشته بر این باورند که روح هر فرد با روح کلی یا به عبارت دیگر روح فردی با روح کیهانی یکی است. به نظر آنان ذات مطلق عبارت است از سراسر گیتی چه جان‌دار و چه بی‌جان. او مبداء هر چیز و نگهدارنده آن است و بعد از سیر مراتب وجود، هر چیز که فنا شود به ذات وی بر می‌گردد. این عقیده هماهنگی ذات مطلق و طبیعت، ایجاب می‌کند که هندوان هر شی را در ذات وی و ذات وی را در هر شی مشاهده کنند و او را به عنوان ذات حقیقی بپرستند؛ اما با وجود این، بر این عقیده هستند که ذات مطلق در سایر مظاهر طبیعت مشهود است و چنین تعبیری را به کار می‌گیرند: «او از جهان آفریدگان برترست.» هندوان برهمن را خدای باقی و منزه می‌دانند و می‌پرستند؛ همچنان‌که به‌گودگیتا می‌گوید: «من با یک قسمت از وجودم در سراسر گیتی گسترده‌ام.» بیشتر فیلسوفان هندو

۷. ریگ ودا (۱۰، ۸۱، ۳).

۸. رادا کریشنان، تاریخ فلسفه شرق و غرب، مترجم خسرو جهان‌داری، ج اول، چ دوم (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)

بر این عقیده‌اند که خدا باقی و در سراسر جهان هستی جاری است. لیکن پاره ای از آن‌ها که طریق مکتب مادیت می‌پیمایند، وجود خدای مطلق را انکار می‌کنند و می‌گویند که گیتی از آمیزش ماده‌ای تشخیص ناپذیر و روحی که هر دو از ازل وجود دارند پیدا شده است. برخی دیگر قائل به وجود خدای مطلق هستند، اما می‌گویند که غیر از او هیچ چیز وجود ندارد و چیزی که ما آن را جهان طبیعی می‌خوانیم، جز خیال و وهم نیست.^۹

انسان بخشی از طبیعت

در عقاید هندویی، انسان نه برتر از طبیعت که جزیی از اجزای طبیعت دانسته می‌شود و مسئولیت وی را در پاسداشت طبیعت بیش از دیگران می‌دانند. در ریگ ودا در باب خلقت انسان آمده است: «وقتی پوروشا را ذبح کردند آن را به چند قطعه تقسیم کردند؟ دهان او چیست و بازوانش کدام است؟ ران‌ها و پاهایش را چه نامیدند؟ دهان او براهن بود و دو دستش راجنیه و رانهایش ویشیه و از پاهایش شودره به وجود آمد».^{۱۰} بدین سان انسان نیز قسمتی از قربانی مقدس است و در ردیف سایر سایر موجودات قرار می‌گیرد.

در ستایش الهه‌های ودایی

با مروری بر سروده های ودایی در خصوص الهه‌ها و ایزدان، می‌توان به جایگاه قدسی طبیعت در این متون پی برد. برای نمونه به پاره‌ای از این ستایش‌ها اشاره می‌شود. الهه‌های ودایی هر یک برگرفته از طبیعت‌اند یا خویشکاری وابسته به طبیعت دارند. ایندرا، محبوب‌ترین خدای ودایی که به تنهایی قریب ۲۵۰ سرود را از آن خود کرده، خدای طوفان است و با هیولای خشک‌سالی مبارزه می‌کند؛ وارونا خدای دانای کل، خدای آسمان است و وایو خدای باد؛ و به همین سان سایر خدایان و الهه‌ها به گونه‌ای با طبیعت گره خورده‌اند؛ گویی ذهن انسان هندو در برابر طبیعت کشف نشده اطرافش، احساس ترسی آمیخته با احترام در خود حس می‌کرده و در ادعیه و سرودهایش همراهی و مهربانی این وجود عظیم را استدعا می‌کرده است. برای روشن شدن این حضور و پیوستگی وثیق میان عناصر طبیعت و امور الوهی، ذکر بخش‌هایی از کتاب مقدس در مدح الهه‌های ودایی ضروری می‌نماید.

۹. سید محمدرضا جلالی نائینی، هند در یک نگاه (تهران: شیرازه، ۱۳۷۵)، ص ۴۹۳ - ۴۹۴.

۱۰. ریگ ودا، ماندلای دهم، ۹۰.

الف) در ستایش ایندرا

ایندرا، پهلوان علی الاطلاق، جنگجوی بی‌باک و درهم شکننده هیولای وریتره است. ایندرا، باران را فرو می‌فرستد و حاکم بر رطوبت و نمناکی است، چون در عین حال خدای باروری و صورت مثالی قوای زایاننده است. مظهر زنده فیضان زندگی و نیروی کیهانی و نیروی حیاتی است. شیره نباتات و خون را به گردش در می‌آورد، به تخم و بذر جان می‌بخشد، آب‌ها را جاری می‌کند، و ابرها را از هم می‌شکافد.^{۱۱}

ایندرا خدای قدرتمند طوفان است که با رعد و برق، به نبرد علیه وریتره اژدها بر می‌خیزد. این ستیزه اسطوره‌ای، حکایت شورانگیز باد و باران‌های موسمی را تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد. ابرها در مقابل کوه‌ها، مار مانند انباشته می‌شوند و ایندرا، آب‌های حیات بخش را از آن‌ها روان می‌گرداند که به اقیانوس فرو می‌ریزند و در مسیر خود خاک را قوت و طراوت می‌بخشند.^{۱۲}

آنکه آتش را از میان دو سنگ پدید آورد، پیروز در نبردها، ای مردم او ایندرا است. حتی آسمان و زمین در مقابل او سر فرو می‌آورند... آنکه به سوما آشام مشهور است آذرخش سلاح اوست آنکه آذرخش در دست دارد، ای مردم او ایندرا است.^{۱۳}

ای پذیرنده دعاها، این دعاها تقسیم شده است. بر روی علف مقدس بنشین، ای قهرمان، این قرص نان مقدس را قبول فرما.

ایندرای بزرگ در نیرو و توان وصف ناپذیر است. او درروشنایی، درخشان گشت، وقتی که ایندرا عوالم آسمان و زمین را به سان پوستی فراهم کرد.

ای ایندرا! رزق زیاد به‌سان قلعه‌ای از گاوان به ما عطا فرما، ما را فرزندان و نیروی قهرمانی ببخش.^{۱۴}

۱۱. میرچا البیاده، رساله در تاریخ ادیان، جلال ستاری (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۲)، ص ۹۵.

۱۲. نینیان اسمارت، تجربه دینی بشر، ترجمه مرتضی گودرزی، چاپ اول (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ص ۱۲۷.

۱۳. میرچا البیاده، متون مقدس بنیادین از سراسر جهان، ترجمه مانی صالحی علامه، ج ۳، چاپ دوم (تهران: نشر

فراروان، ۱۳۸۷)، ص ۷۰-۷۱.

۱۴. به نقل از البیاده، رساله در تاریخ ادیان، ص ۸۱.

ب) در ستایش وارونا (خدای دانای کل)

به یقین وارونا «همه جا نمایان» (ریگ ودا ۸، ۳، ۴۱) است و «دو جهان را از هم جدا کرده» (ریگ ودا ۷، ۱، ۸۶) باد، دم اوست (ریگ ودا ۲، ۸۷، ۷) و همو و میترا «دو سرور نیرومند و والا جاه آسمان هستند» که مورد نیایش اند، و وارونا «با ابرهایی که رنگ‌های گونه‌گون دارند در نخستین غرش رعد نمایان می‌شود، است و به اعجاز الهی، از آسمان باران فرو می‌بارد» و «صنعتشان، در آسمان معجز آمیز است» (ریگ ودا، ۶۳، ۵، ۲ - ۵)^{۱۵}

هم زمینی که اینجاست به شاه وارونا تعلق دارد و هم آسمان گسترده‌ای که آنجاست و مرزهایش در آن دور دست هاست. به علاوه این دو اقیانوس شیرهای [درنده] وارونا هستند؛ آری او در آب کوچک پنهان شده است.^{۱۶}

شاه وارونا همه آن چه را که میان آسمان و زمین است و همه آنچه را که در ماورا است می‌بیند. منم شاه وارونا، این اولین قدرت‌های عالی آسمانی موجود به من اعطا شده است.^{۱۷}

در ریگ ودا، ماندلای دهم، سرود ۱۲۱ نیز چنین آمده است: «توسط او آسمان‌ها محکم و زمین پا بر جاست. توسط او قلمرو روشنایی و گنبد آسمان نگهداری می‌شود؛ توسط او طبقات میانی هوا میزان شده است.»^{۱۸}

پ) در ستایش ایزد بانوی زمین

یک حکیم و رازدان هندی، سموهالا «رئیس قبیله واناپوم» از شخم زدن زمین امتناع می‌کرد. او معتقد بود که آسیب رساندن به زمین و قطعه قطعه کردن آن، یعنی مادر همه موجودات، گناهی است نابخشودنی. او می‌گفت: «شما از من می‌خواهید زمین را شخم بزنم! آیا من می‌توانم چاقویی بردارم و آغوش مادر خود را پاره کنم؟ زیرا هنگامی که بمیرم او مرا در آغوش آرامش بخش خود نخواهد گرفت. شما از من می‌خواهید زمین را برای یافتن سنگ حفر کنم! آیا من باید برای رسیدن به استخوان‌ها زیر پوست او را بشکافم؟ سپس هنگامی که من می‌میرم نمی‌توانم به بدن او وارد شوم تا دوباره زاده شوم. شما از من می‌خواهید علف‌ها را قطع کنم، از آن‌ها کاه بسازم و آن‌ها را بفروشم

۱۵. اتروه ودا - ماندلای چهارم - سرود ۱۶.

۱۶. اتروه ودا - ماندلای چهارم - سرود ۱۶.

۱۷. الیاده، رساله در تاریخ ادیان، ص ۶۶ - ۶۷.

۱۸. همان، ص ۶۸ - ۶۹.

و مانند سفیدپوستان ثروتمند شوم! اما چگونه می‌توانم موهای مادر خود را قطع کنم؟»^{۱۹} این بند جان کلام هندوان در برخورد با زمین است. همین سخن کوتاه همه آن چه باید در یک دین در دفاع از زمین بگوید را بیان می‌نماید.

ایزد بانوی زمین در وداها به سان مادری مهربان شناخته شده که فرزندان را تغذیه می‌کند و پس از مرگ، آن‌ها را در خود جای می‌دهد. در اتهروه ودا در سرودی درباره زمین چنین آمده است: «این زمین که دارای فرازاها و نشیب‌ها و دشت‌های عظیم است، گیاهانی با خواص گوناگون را نگهداری می‌کند، فارغ از فشاری که از میان آدم‌ها می‌آید برای ما گسترده می‌شود و خود را با ما تطبیق می‌دهد.» و در ادامه زمین مادر را ستایش می‌کند و از وی طلب شادکامی برای همه دارد: «این زمین که اشوینها آن را پیموده‌اند، ویشنو بر روی آن گام برداشته و ایندرا خداوندگار قدرت و توانایی آن را با دوست و همراه کرده؛ او مادر است، به من که فرزندش هستم شیر می‌دهد. ای زمین کوه‌های بلند پوشیده از برف تو، وجنگل‌هایت، به ما مهربان خواهند بود! زمین محکم و استوار قهوه ای سیاه، قرمز و رنگارنگی که توسط ایندرا محافظت می‌شود، من بر روی آن جا گرفته‌ام، بدون آن که تحت فشار و بند و حبس باشم، بدون آنکه کشته شوم و بدون آنکه زخم بردارم.»^{۲۰}

خانواده گسترده مادر زمین

یک مقدمه اصلی دین هندو این است که هر ذات و ارگانسیم حیات، یک بخش از سیستم خانوادگی گسترده است که به ریاست ابدی مادر زمین «*vasudhaivkutumbakam*» نامیده می‌شود. این مفهوم که تحت عنوان «*vasudhaivkutumbakamvasudha*» به معنای «این زمین» و «*kutumbakam*» به معنای «خانواده گسترده»، شامل انسان‌ها، حیوانات و همه موجودات حیاتی‌اند، شناخته می‌شود. یعنی اینکه تمامی موجودات همانند انسان‌ها به یک اندازه اعضای خانواده گسترده زمین هستند و پذیرفتن چنین اصلی به صورت (فردی یا جمعی) کمال احترام لازم برای همه موجودات و طبیعت را گسترش می‌دهد. رابطه ما با زمین از تولد تا مرگ شبیه رابطه بچه با مادرش است. مادر - در اینجا زمین - نه تنها فرزندش را تحمل می‌کند، بلکه همچنین مهم‌ترین منبع انجام خواهش‌های بی‌پایان اوست. این زمین است که انرژی را برای تغذیه همه گونه‌ها فراهم می‌کند؛ همانگونه که شخص نباید توهین و استثمار نسبت به مادرش

۱۹. میرچا الیاده، مقدس و نامقدس، ترجمه بهزاد سالکی (تهران: خردناب، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۰.

۲۰. تروه ودا، ماندلای ۱۲، سروداول.

داشته باشد و باید مودب و مهربان باشد، شخص نیز باید با زمین مادر اینگونه باشد. این ارتباط به ویژه توسط ریشی اتروه در پرتیوی سوکته (نیایش مادر زمین) و در اتروه ودا شرح داده شده است. اتروه ودا که در حدود یا قبل از ۱۵۰۰ ق. م نگاشته شده، شاید نخستین متن مقدس باشد که مفهوم احترام به زمین در آن مطرح شده است. بخش پایانی (کنده ۱۲، سرود ۱) مشتمل بر ۶۳ منتره به سروده‌هایی دربارهٔ زمین مادر اختصاص یافته است. این آیات بسیاری اندیشه‌های پیامبرانه و پیشگویانه دربارهٔ وجود مادر زمین را کامل می‌کند. مجموعه سرودهایی که در زیر می‌آید، زمین مادر را خطاب قرار می‌دهد و نیک‌خواهی او را می‌طلبد. «ای زمین مادر! تپه‌ها و کوه‌های برفی و جنگل‌های عمیقت مقدس‌اند با ما مهربان باش و شادی را به ما ببخش؛ باشد که تو حاصلخیز، قابل زرع و تغذیه‌کنندهٔ همه باشی. باشد که به حمایت از تمامی اقوام و ملت‌ها ادامه دهی. باشد که ما را از خشم خود مصون بداری و باشد که هیچ‌کس بهره‌برداری و سلطه به فرزندان نداشته باشد.» این نیایش که بر دید کیهانی از سیاره ما، زمین بنا شده است و همچنین با هوشیاری ما نسبت به محیط زیست مربوط است، بر مفهوم اساسی خانوادهٔ گستردهٔ مادر زمین استوار است. هر ذات و ارگانسیم یک بخش از سیستم خانوادگی گسترده است به ریاست مادر زمین. او هموست که از اعطای فراوان ثروتش ما را حمایت می‌کند. او هم اوست که ما را تغذیه می‌کند. او هموست که محیط‌زیست ادامه‌پذیر را برای ما فراهم می‌کند. او هموست که به‌واسطهٔ جرائم فرزندان خشمناک می‌شود و آن‌ها را با بلایا تنبیه می‌کند. از منظر فرهنگ هندویی، سوءاستفاده و استثمار طبیعت برای سود خودخواهانه، بی‌عدالتی و توهین به مقدسات به شمار می‌رود. این سرود همچنین با مثال رابطه تغذیه زیست محیطی، کشاورزی و تنوع زیستی با انسان را توضیح می‌دهد. همه سه بخش فیزیکی محیط زیست ما یعنی آب، هوا و خاک فی نفسه برجسته هستند و سودمندی آن‌ها جزئی تلقی می‌شود. برای مثال، نیایشی برای نگهداری عطر اصلی مادر زمین وجود دارد (منتره ۲۵، ۲۳) به طوری که میراث طبیعی‌اش برای نسل‌های آینده نگهداری شود. جلوتر نیایشی هست که می‌گوید حتی زمانیکه مردم، زمین را می‌کنند، چه برای اهداف کشاورزی یا برای استخراج مواد معدنی، طوری باشد که اندام‌های حیاتی او آسیب نبیند و همچنین آسیب جدی بر بدنش وارد و آشکار نگردد. (منتره ۳۵) در اینجا منابع طبیعی‌اش و پوشش گیاهی‌اش نگهداری می‌شوند. از طرف دیگر، برکت بر کسانی که از محیط زیست دفاع و حمایت می‌کنند، ریزان است (منتره ۷). به همین دلیل است که در منتره ۵۹ مادر زمین به دعا می‌خواهد با همه انواع خوراک و آرامش به ما برکت دهد. بنابراین، ما باید در صلح و هماهنگی زندگی کنیم. «باشد که مادر زمین همو که فراهم‌کننده شیر، بسیاری خوراک‌ها، غلات و دیگر محصولات کشاورزی و عطر است، ما را از نعمت صلح، آسایش و

ثروت برخوردار سازد.» در نهایت، این نیایش بزرگترین متن معنوی از دین هندویی است که انسان‌ها را به حمایت، نگهداری و مراقبت از محیط زیست سفارش می‌کند. این موضوع به زیبایی در منتره ۱۶ روشن شده است جایی که می‌گوید: «بر ما انسان‌هاست که به عنوان اولاد زمین مادر، در صلح و هماهنگی با همه زندگی کنیم؛ ای زمین مادر! تو برای ما جهانی و ما فرزندان تو هستیم.» این منتره همچنین بر یک سند عمیق بین مادر زمین و انسان‌ها دلالت می‌کند. همچنین با مثال نشان می‌دهد چه نوع ارتباطی می‌بایست بین زمین مادر و فرزندان وجود داشته باشد؛ همان‌گونه که بین انسان‌ها و دیگر اشکال حیات باید وجود داشته باشد. به ندرت در دیگر سنت‌های مذهبی و اعتقادات چنان که در این ۶۳ منتره دیده می‌شود، شرحی جامع پیرامون این موضوع یافت می‌شود. اضافه بر این، این نیایش، راهنمایی اخلاقی برای رفتار در طریقه مقتضی با طبیعت و وظیفه ما نسبت به محیط زیست فراهم می‌کند. متن همچنین ما را به مراقبت از مخلوقات خدا در شکل پنداشتن همه موجودات به عنوان بخشی از خانواده گسترده ما، خانواده مادر زمین وا می‌دارد.^{۲۱}

بی‌تردید ذکر نمونه سرودهایی از متون مقدس هندویی در ستایش ایزد بانوی زمین می‌تواند در تبیین بحث کارآمد باشد. در اتهروا ودا ماندلای ۱۲، سرود اول، در این باره چنین آمده است: «حقیقت، عظمت، نظم جهانی (ریتا)، قدرت، تقدیس و تبرک، شور و اشتیاق خلاق (تپس)، تعالی روحانی (برهمن) و تقدیم قربانی، زمین را حمایت و نگهداری می‌کند. باشد که این زمین، بانوی آنچه که بوده و خواهد بود برای ما قلمرو پهناوری فراهم آورد. این زمین که دارای فرازها و نشیب‌ها و دشت‌های عظیم است. گیاهانی با خواص گوناگون را نگهداری می‌کند، فارغ از فشاری که از میان آدم‌ها می‌آید برای ما گسترده می‌شود و خود را با ما تطبیق می‌دهد.»

ای زمین مادر، لطفاً مرا در جایی که بنیان محکمی قرار دارد قرار ده با همکاری آسمان پدر و تو ای خردمند دانا خواهش می‌کنم مرا در خوشبختی و سعادت قرار ده!^{۲۲}

و نیز در ریگ ودا، ماندلای دهم، سرود ۱۸: «پناه ببر به آغوش زمین مادر، زمین پهناور و تا دور دست‌ها گسترده که بسیار بخشنده و مهربان است. بانوی جوان با نرمی و لطافت به سوی آن پاداش دهنده [می‌رود] باشد که تو را از آغوش نابودی و مرگ حفظ کند.

21. O. P. Dwived, The oxford handbook of religion and ecology/ Ed: Roger s. Gottlieb, Oxford University 2006; p165, 166.

۲۲. الیاده، رساله در تاریخ ادیان، ص ۷۱ - ۷۶.

خود را بالا بکش ای زمین و سنگینی ات را رو به پایین فشار مده؛ او را به راحتی در خود جای ده، با مهربانی از او مراقبت کن.

ای زمین، همچون مادری که دامنش را به دور فرزندش می‌پیچد، تو هم او را بپوشان. اکنون بگذار زمین بالا آمده، ساکن و بی حرکت بماند؛ آری، بگذار هزاران کلوخ و سنگریزه، بر روی او بماند.

اینجا برای او خانه ای باشد سرشار از فیض و برکت؛ بگذار اینجا برای همیشه پناهگاه او باشد. من در حالیکه این قطعه از خاک را بر روی تو قرار میدهم، جای ت را در زمین محکم میسازم. باشد که آسیب و گزندی به من نرسد.»

سرودهایی در ستایش قربانی نخستین (پوروشه)

پوروشه از جمله خدایانی است که با قربانی کردن و تکه تکه کردن خود عالم را خلق می‌کند. او پروردگار بزرگ است، او انگیزه خلقت است، او دارای ناب‌ترین قدرت برای رسیدن به همه چیز است، او نور و روشنایی است و او فناپذیر است.^{۲۳}

انجام قربانی در مراسم هندویی نیز نمادی برای تقرب به قربانی مقدس (پوروشه) است. در ریگ ودا، ماندالای دهم، سرود ۹۰، در توصیف پوروشا چنین آمده: «پوروشا هزار سر، هزار چشم و هزار پا داشت. او تمام زمین را از همه جوانب فرا می‌گرفت و از آن به اندازه ده انگشت پهناورتر بود. پوروشا در حقیقت تمام این جهان مرئی است و همه آنچه بوده و همه آنچه خواهد بود. او خدای ابدیت است اما با خوراک قربانی و پیشکشی‌ها باز هم بزرگ‌تر میشود و نمو می‌کند. چنین است بزرگی او، پوروشا حتی از این هم بزرگتر می‌شود. همه موجودات یک چهارم اویند سه چهارم دیگر او حیات جاودانی است در آسمان.

با سه چهارم، پوروشا به بالا صعود کرد و باز هم یک چهارم او در اینجا بود. سپس در همه جوانب گسترش یافت و به اشکال گوناگون درآمد و به آفرینش تمام جان‌دار و بی‌جان منتهی شد. از او ویراج به وجود آمد و باز از ویراج پوروشا. او به محض تولد آشکار شد بعد زمین را آفرید و سپس صور مادی را.»

23. Max Muller, The sacred books of the East: The Upanishads, Part 2 (Oxford: 1884), p 246.

تقدس آب

پاره‌ای از پدیده‌های طبیعی نظیر آب، خورشید، ماه، آتش، زمین، آسمان و سپیده دم، در متون ودایی مورد تکریم و تقدیس واقع شده‌اند و با مرور بر آن‌ها می‌توان نگاه کلی آیین هندو به قداست پدیده‌های طبیعی را تشریح نمود. آب در شبه قاره از تقدس بالایی برخوردار است؛ چنان‌که نخستین مخلوق است: «ذات مطلق یعنی برهمن، بعد از خواهش آفرینش جهان موجودات با اراده، فقط آب را خلق کرد و در آب تخم خویش را نهاد.» در ماندالای دهم، سرود ۱۲۹ از ریگ ودا آمده است: «در آن هنگام (خلقت) نه هستی بود نه نیستی... نه خدایی... نه آسمان... نه مرگ بود نه زندگی... همه جا آب بود.» در این سرود، آب پیش از آسمان و خدایان وجود داشته است.

در سرزمین هند، بیشتر توجه به آب حیات (امریت) مبذول می‌گردد. امریت در فرهنگ باستانی هند به معانی آب حیات، ام‌الحیات، مادر زندگی، نام رودخانه‌ای در میانه زمین درآمد. امریت در شبه قاره مانند آن‌ها در نجد چنان عزت و شهرت یافت که در اوپانیشاد با چنین معانی و تعبیری به کار رفت: جاودان، نامیرا، زیبا، محبوب، لقبی از برای شیوا و ویشنو، آب حیات و نام رودخانه‌ای.^{۲۴} برای هندوان هیچ رودی مهم‌تر و مقدس‌تر از گنگ نیست. از نظر آنان رود گنگ مونث است در مقابل دریای مذکر. آنان آن را «گنگ مادر» می‌نامند و آن را الهه گنگ می‌دانند. آب گنگ در بسیاری از مراسم های دینی به کار می‌رود. غالباً به مرده‌ها قطره‌ای از آب گنگ داده می‌شود.^{۲۵}

خورشید (surya)

خورشید عسل تمام موجودات است، و تمام موجودات عسل خورشید هستند. بنابراین شخص روشن و جاودانه در خورشید است و این شخص روشن و جاودانه مانند وجود چشم در بدن است (هر دوی آنها مدهو هستند) او در حقیقت خود اوست، که جاودانه است و او برهمن است که همه است.^{۲۶} در ریگ‌ودا، ده سرود به ستایش خورشید اختصاص یافته است. خورشید در وداها پسر دیائوس است (ریگ ودا، ×، ۲، ۳۷) ولی او را به نام‌های چشم آسمان یا چشم میترا و وارونا نیز می‌خوانند (، ۱، ۱۱۵؛ ، ۱، ۳۷، ۶۱). بنا به پروشه سوکته (ریگ ودا، ×، ۹۰)، خورشید از چشم هیولای کیهانی

۲۴. امان الله قرشی، آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی (تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۰)، ص ۲۳۱، ۲۳۳.

۲۵. کونگ هانس، ساحت های معنوی ادیان جهان نشانه راه، ترجمه حسن قنبری (قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب،

۱۳۸۷)، ص ۷۷، ۷۶.

پروشا زاده شده، و به هنگام مرگ، وقتی پیکر و روان انسان به انسان کبیر کیهانی می‌پیوندد، چشمش به خورشید باز می‌گردد.^{۲۷}

این عقیده از دورهٔ ودایی در میان هندوان وجود دارد که خورشید قالبی از آتشی است که خدایان در فضا قرار داده اند. خورشید دفع کنندهٔ تاریکی و محرک و مغذی آدمیان است. اهل هند از دوران بسیار قدیم از طبیعت سود بخش نیروی خورشید آگاهی داشتند. خدای خورشید شفا بخش بیماری کوری و جذام شناخته شده است. او فقر را از بین می‌برد و روشنایی بخش جهان است. در نیایش او را به عنوان چشم بینندهٔ جهان یاد می‌کنند، زیرا با طلوع خورشید، عالمیان فعالیت خویش را از سر آغاز می‌نمایند. هنود در ستایش خورشید می‌گویند که او در بامداد به شکل برهما در ظهر به صورت ویشنو و در عصر شبیه شیواست.^{۲۸}

ماه (Soma)

در اساطیر مذکور است هنگامی که خدایان و دیوان برای یافتن آب حیات اقیانوس را با کوه مندر، مثل شیرزنه به هم می‌زدند ماه به وجود آمد. پاندیت (روحانیون هندو) تصور می‌کنند خدای ودایی سوما که نگهبان گیاه سوماست که از افشردۀ آن نوشابه مسکری تهیه می‌کردند با ماه آسمانی یکی است. به علت تأثیری که ماه بر رشد گیاهان دارد، هندوان ماه را خدای گیاهان می‌گویند.^{۲۹} در اوپانیشاد نیز آمده است «بعد از آن که خدایان به ماه دست یافتند، آن را تبدیل به مادهٔ غذایی کرده و بعد از آن از مادهٔ غذایی که بر روی آن وجود دارد به عنوان قربانی سوما استفاده کردند، گویی ماه رشد گیاهان را افزایش داده یا کاهش می‌دهد.»^{۳۰}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات علوم انسانی

۲۷. الیاده، رساله در تاریخ ادیان، ص ۱۴۹.

۲۸. جلالی نایینی، ص ۵۰۱.

۲۹. همان، ص ۵۰۲، ۵۰۳.

در ستایش اگنی

آتش در وداها «اگنی» خوانده شده است. اگنی تجسم آتش مقدس است و مانند بچه که مادر و پدر خود را می‌خورد آتش، چوب را که از آن پیدا شده است می‌خورد. او شفادهنده نابینایان و جذامیان است. دین باوران هندو بر این باورند که اگنی جنازه مردگان را به جهان دیگر که مسکن خدایان و نیاکان است می‌برد.

ای اگنی با درخششی تابان گناهان ما را دور ساز و نعمت بر ما بتاب (ریگ ودا، ماندالای اول سرود ۱۹۷).

در اوپانیساد نیز آمده است: اگنی در بین خدایان، به عنوان تامین کننده غذای آن‌ها شناخته می‌شود، و ماه غذای آن‌هاست، بنابراین ماه می‌داند که توسط اگنی بلعیده خواهد شد، این عناصر یا مواد غذایی خود سوما و در بعضی قسمت‌ها اگنی نامیده می‌شود که این به دلیل ماهیت توسعه نیافته امکانی به نام دهان در وجود آن‌ها می‌باشد. (این به عنوان لذت بردن از طبیعت و از طریق آن‌ها و مستقل از آن‌ها می‌باشد.)

در ستایش اوئسی (خدای سپیده دم)

سپیده دم سر اسبی است که خود را برای قربانی شدن آماده می‌کند، که خورشید چشمان او، باد نفس او، وایوانای آتشدهان او، و سال بدن این اسب قربانی شده است.^{۳۱} سپیده دم در زمین‌هایی که پنج طایفه در آن مسکن دارند بدمید و راههای مردم را آشکار ساخت.

درخشش خویش را وسیله گاوان زیبا منتشر کرد و خورشید به نور خود زمین و آسمان را بگشود.

سپیده دم ثروتمند که بسیار شبیه ایندراست، بردمیده و ستایش‌هایی را آورده که نیک بختی ما را فزونی بخشد. ای سپیده دم آن نعمتی را که به سرایندگان ستایش خویش می‌فرستی بر ما ببخش.^{۳۲}

دام و ددان و پرندگان

از جمله حیواناتی که برای هندوان مقدس است، گاو ماده است و به عنوان مظهر چند الهه و خدا پرستیده می‌شده است. میمون (هانومان) به جهت نجات سیتا در داستان رامایانا دارای ارزش و احترام است. به این خاطر از آسیب‌هایی که میمون‌ها به مزارع و محصولات می‌رسانند صرف نظر می‌کنند و کشتن آن‌ها را کار ناپسندی می‌دانند. مار در هند مظهر بزرگی و احترام است و از این جهت در بسیاری از خانواده‌های راجی‌های هند، کلمه ناگ (مار) جز اسمشان آمده است^{۳۳} و باقی حیوانات نیز به گونه‌ای از اهمیت و اعتبار در میان هندوان برخوردارند.

راهکارهای محافظت از طبیعت در هند

الف) اهیمنسا

از همان روزگار نخستین، با عنایت به تقدس پدیده‌های طبیعی، راهکارهایی برای حفظ آن‌ها قابل ردیابی و نشان دادن است که به پاره ای از آنها اشاره می‌گردد. با آنکه اساس وداها بر قربانی بنا شده و انجام عمل قربانی تکرار عمل خدایان در ازل تلقی می‌شد، با ظهور مکتب جین و پافشاری مهاویرا بر اصل عدم آزار جانداران (اهیمنسا)، هندوها این اصل را به وام از جین می‌گیرند. اهیمنسا، عدم خشونت و صلح جویی، بدان معناست که انسان نباید عملی انجام دهد که دیگران را در رنج و درد و آشفتگی و پریشانی قرار دهد، بلکه بر خصلت مثبت عشق به همگان استوار است که خود نتیجه پی بردن به خویشاوندی میان همه موجودات است. اهیمنسا، اصلی که برابری و یکسانی را برای همه گونه‌ها در نظر می‌گیرد، با ترویج این نگاه که کشتن یا آسیب زدن به یک موجود زنده شخص را از نجات دور می‌دارد، مومن هندویی را وا می‌دارد از آسیب به جانداران و یا دیگر گونه‌های حیاتی اجتناب ورزد و حتی فکر آزار جانداران را به خود راه ندهد؛ و این چنین علتی برای حفاظت از طبیعت می‌گردد. این اصل در سایه مفاهیمی چون درمه و کرمه که علت تناسخند بهتر فهمیده می‌شود.^{۳۴}

۳۳. جلالی نایینی، ص ۵۰۹-۵۱۰.

۳۴. آ. ج بهاکتی و دانتاسوامی پرابهوپادا، بهاگوادگیتا همانگونه که هست، فرهاد سیاه پوش و...، چاپ سوم (تهران):

انتشارات دانش جاودان، (۱۳۸۳)، ص ۴۷۴؛ نیز بنگرید

ب) تناسخ، درمه، کرمه

تناسخ یا چرخه باز تولدهای پیاپی که به سبب وجود کرمه ایجاد می‌گردد، اصلی بنیادین در اندیشه‌های هندوان است. این واژه که به «گذر» ترجمه می‌شود، در میان تمامی مذاهب هندو اصلی پذیرفته و مشترک است. در این چرخه، انسان ممکن است در صورت‌های دیگر جانداران نیز وارد حیات شود و به زندگی ادامه دهد و بدین‌سان میان خود و دیگر گونه‌ها که یا در گذشته شاید در قالب آن‌ها بوده و یا در آینده در آن جای می‌گیرد، پیوند حس می‌کند و این‌گونه است که انسان هندو میان خود و طبیعت ارتباطی نزدیک می‌بیند و آزار جانداران در نظر وی گناهی عظیم جلوه می‌کند.

مفهوم دیگری که در این رابطه باید توضیح داده شود، مفهوم درمه است. درمه یا همان قانون مقدس الهی که گاه به شریعت ترجمه می‌شود، اما در حقیقت معنایی گسترده‌تر از آن را اراده می‌کند. درمه را به نوعی می‌توان قانون برای همه انواع در نظر گرفت یعنی مجموعه‌ای از تکوین و تشریح. درمه در سایر موجودات زنده همان غریزه آن‌ها قلمداد می‌شود که بر اساس آن زندگی می‌کنند. «هر چیزی در عالم درمه خود، تقدیر خود و نظم خود را دارد: خدایان، انسان‌ها، گیاهان، جانوران و حتی طبیعت بی‌جان. حتی رودها و طوفان‌ها تقدیر خود را دارند»^{۳۵}. مومن هندویی برای نجات از چرخه تناسخ باید بر اساس درمه مناسب خود عمل کند و عدم آزار جانداران درمه‌ای مناسب از سوی شخص تلقی می‌شود.

در متون مقدس هندویی تأکیدی بر مفهوم بخشش خدا وجود دارد که نمی‌توان به این بخشش با قتل حیوانات یا سایر موجودات دست یافت. بنابراین، نخوردن گوشت از وظایف فرد متدین هندو و کرمه نیک برای او تلقی می‌شود؛ در ویشنو پورانه آمده است (۳/۸/۱۵) خدا از شخصی که به دیگر مخلوقات و حیوانات بی‌زبان آسیب نزند خرسند می‌شود.^{۳۶} «در همین رابطه معتقدند زمانی که یک انسان علت رنج و عذاب دیگر موجودات است عاقبت متحمل رنجی مشابه در این زندگی یا در زندگی بعدی‌اش می‌شود. چنانکه در کتاب قوانین مانو ۵/۳۸ آمده است: «یک شخص که حیوانی را برای گوشتش می‌کشد به مرگ فجیعی خواهد مرد.» این یک عدالت کرمه‌وار است که به واسطه تناسخ روح داده می‌شود. استفاده از گوشت حیوانات قربانی شده نیز ممنوع بوده است. چنانچه در

۳۵. کونگ، ص ۷۶.

مهابهاراتا نقل شده زمانی که ریشی‌ها و خدایان درباره ی شایستگی هدیه غلات یا بره قربانی در جشن بحث می‌کردند، ریشی‌ها بر این امر اصرار داشتند که بر اساس وداها مواد قربانی باید تنها غلات باشند و نیز هیچ حیوانی نباید برای هدف جشن کشته شود. (مهابهاراتا، شنتی پروه، موکشه درمه^{۳۷} ۳۳۷. ۴. ۵). ریشی‌ها همچنین متذکر می‌شوند که درمه درست هرگز اجازه کشتار هیچ حیوانی را نمی‌دهد. به علاوه بسیاری از حیوانات و پرندگان توسط هندوها حرمت گذاشته می‌شوند، چنان که آن‌ها همسران متعدد خدایان و الهه‌ها هستند. در هند، نپال و بوتان، جنگل‌ها و بیشه‌های فراوانی مقدس‌اند جایی که درختان سبز و گیاهان محافظت می‌شوند. همچنین برای هندوها کاشتن درخت یک وظیفه ی دینی محسوب می‌شود. بنابراین بسیاری از درختان مقدس تلقی می‌شوند.^{۳۸}

بهکتی (راه عشق)

واژه «بهکتی»^{۳۹} از ریشه سانسکریت «Bhaj» به معنای «عشق به پروردگار» یا «وقف بر عبادت یک پروردگار» بودن، در دین هندو نزدیک‌ترین راه به نجات است. بهکتی از قدیم‌ترین سنن دینی در آیین هندو است که در میان سایر مذاهب هندی نیز مقبول است.^{۴۰} عبادت خالصانه برای یک رب که همه هستی را دربر می‌گیرد.^{۴۱} می‌توان دریافت متدین به آیین هندو چه احترام و عظمتی برای طبیعت پیرامونش قائل است. بهگودگیتا مهم‌ترین منبع اندیشه بهکتی در بیانی استادانه در این رابطه چنین می‌گوید: «شخص فرزانه کسی است که با یک گاو، یک فیل، یک سگ و یک بی‌خانمان به احترامی یکسان رفتار می‌کند که او به برهمن نشان دهد و دارای علمی عظیم است.»^{۴۲} و بدین‌سان رابطه انسان هندو و محیط پیرامون را روشن می‌سازد و نیز یادآور می‌شود انسان فرزانه هندو به همه گونه‌های حیات به یکسان باید رفتار نموده و هیچ فرقی میان آنان ننهد.

37. Mahabharata/shantiparva/mokshadharma.

38. O. P. Dwivd, ibid, p168.

39. Bhakti.

40. Narad, Saga; The secrets of Bhakti; Sterling publishers Pvt. Ltd 2009, p 61 نیز

Dasgupta, Surendranath; A history of Indian philosophy; Vol. 2, Cambridge 1952 P 438.

۴۱. بهگود گیتا، ۷.۷.

۴۲. بهگود گیتا، ۵. ۱.

در گیتا به نقل از پروردگار کریشنا چنین آمده است: «طعم آب منم، روشنی ماه و خورشید منم،... بوی خوش خاک منم، زندگی زندگان منم.»^{۴۳} بنابراین این انتظاری به جا از هندوان است که به طبیعت به عنوان جلوه پروردگار احترامی دو چندان نهند و همان گونه که عاشقانه به عبادت رب خویش می پردازند به حضور و ظهور او در طبیعت توجه نموده و در پاسداشت این حضور والا عاشقانه با طبیعت مواجه شود و نگهداری و حمایت از آن را وظیفه خویش تلقی کند.

به علاوه در گیتا (۱۳، ۱۳) پروردگار کریشنا می گوید: «او در همه جا ساکن است». بنابراین این تعجب برانگیز نیست که هندوها احترام به همه عناصر خلقت را توصیه می کنند. بیان بهگوتا مهاپوران (۱۱، ۲، ۴۱) که می گوید: «اثر، هوا، آتش، آب، زمین، سیاره، همه مخلوقات، جهات، درختان و گیاهان، رودخانه ها و دریاها همه آنها عناصر بدن خداوند هستند» این را به یاد می آورد که یک سرسپرده^{۴۴} به همه گونه ها احترام می گذارد. نیز در جایی دیگر آمده: «آن کس که حسود نیست و دوستی مهربان برای همه موجودات زنده به شمار می آید، خود را صاحب و مالک نمی داند و... چنین عابدی برای من بسیار عزیز است.» (گیتا ۱۴، ۱۲، ۱۳)

نتیجه گیری

بررسی متون دین هندو در خصوص طبیعت و قداست آن و محیط زیست، در بردارنده دستاوردهای ذیل است: نخست اینکه هر کدام از خدا یان ودایی نماینده یکی از عناصر طبیعتند و یا خویشکاری مربوط به طبیعت دارند - هم چون خدای طوفان، خورشید و غیره - که پیوند عمیق زندگی هندوها با طبیعت را نشان می دهد. دوم اینکه عقیده هندو که سایر موجودات از خدای یکتا به وجود آمده و به ذات وی بر می گردند برای مقدس دانستن جهان طبیعی نزد هندوان اساسی و کافی تلقی می شود. سوم اینکه اندیشه وحدت وجودی اوپانیسادی، قداستی دوچندان به طبیعت می بخشد؛ به گونه ای که بهره کشی و استثمار طبیعت، توهین به مقدسات محسوب می شود. چهارم اینکه اصل بنیادین همیسا، راهکاری اساسی برای حفاظت از طبیعت و نیز ایجاد صلح جهانی به شمار می رود. پنجم اینکه اندیشه تناسخ می تواند در جهت حفاظت گونه های جانوری در هند مورد توجه قرار گیرد. در

نهایت، بهکتی و عشق به خدایی که عین طبیعت است، می‌تواند در بهبود روابط هندوان و طبیعت کارآمد باشد.

کتاب‌نامه

آچ بهاکتی ودانتا سوامی پرابهویدا. بهاگاوادگیتا همانگونه که هست. فرهادسیاه پوش و دیگران. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانش جاودان، ۱۳۸۳.

اسمارت، نینیان. تجربه دینی بشر. مرتضی گودرزی. چاپ اول. تهران: سمت، ۱۳۸۳.

الیاده، میرچا. رساله در تاریخ ادیان. جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۲.

_____. متون مقدس بنیادین از سراسر جهان. مانی صالحی علامه. جلدهای ۱-۳. چاپ دوم. تهران:

نشر فراروان، ۱۳۸۷.

_____. مقدس و نامقدس. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: خردناب، ۱۳۸۰.

/اوپانیساد. ترجمه از متن سانسکریت. محمد دارا شکوه. به سعی محمدرضا جلالی نایینی. چ دوم. تهران:

طهوری، ۱۳۵۶.

جلالی نایینی، سید محمدرضا. هند در یک نگاه. تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۵.

قرشی، امان الله. آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی. تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۰.

کریشان، رادا. تاریخ فلسفه شرق و غرب. مترجم خسرو جهانداری. ج اول. چ دوم. تهران: علمی و

فرهنگی، ۱۳۸۲.

کونگ هانس. ساخته‌های معنوی ادیان جهان نشانه راه. حسن قنبری. تهران: مرکز مطالعات ادیان و

مذاهب، ۱۳۸۷.

گزیده ریگ ودا. ترجمه محمدرضا جلالی نایینی. تهران: نشر نقره، ۱۳۶۷.

گیتا، (سرود خدا/یان). ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی، ۱۳۴۴.

هینلز، جان آر. فرهنگ ادیان جهان. ترجمه ع. پاشایی. چ دوم. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب،

۱۳۸۷.

Dasgupta, Surendranath. *A history of Indian philosophy*. Vol. 2. Cambridge, 1952.

Eliadeh, Mircea. *The sacred and the profane: the nature of religion*. Houghton Mifflin Harcourt, 1987.

Harzer, Edeltraud. «Samsara» ,*Encyclopedia of Hinduism*. Ed: cenisecush ,Catherine robinson ,Michael. New York, London: Rotlulage, 2008.

Muller, Max. *The sacred books of the East: The Upanishads*. Part 2. Oxford, 1884.

N. Lorenzen, David. «*Bhakti*», *The Hindu world*, Ed: Sushil, mittul and Gene thursby, New York: Rotlulage, 2007

Narad, Saga. *The secrets of Bhakti*. Sterling publishers Pvt. Ltd, 2009.

O. P. Dwived. *The oxford handbook of religion and ecology*. Ed: Roger s. Gottlieb. Oxford University, 2006.

K.Young,Katherine, «*Ahimsa*»,*Encyclopedia of Hinduism*. Ed:cenisecush, Catherine robinson. Michael York. New York - London:Rotlulage, 2008.

S. Gottlieb, Roger. «*religion and environment*»,The Routledge companion the study of religion. second edition Ed:John Hinnells,New York: Routledge 2010.

Vasudha Narayanan. *Encyclopedia of religion*. second edition Ed: Lindsay Jones, Thomson gal, 2005.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی